



درس آیات الأحكام استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۳۹۲/۸/۲۷

موضوع کلی: آیات الأحكام (خمس)

مصادف با: ۱۴ محرم ۱۴۳۵

موضوع جزئی: معنای غنیمت در قرآن

جلسه: ۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در غنیمت در قرآن بود در چند آیه از ماده غنم در قرآن استفاده شده.

آیه دوم:

«سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمٍ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا» این آیه پیرامون کسانی است که پیامبر را در سفر به مکه که منجر به صلح حدیبیه شد همراهی نکردند، الْمُخَلَّفُونَ اشاره به باقی ماندگان از آن سفر دارد، پیامبر وقتی از سفر حدیبیه برمی گشتند به کسانی که همراهشان بودند بشارت دادند که به زودی در خیبر فتح نصیب ما خواهد شد و آنها را امر به قتال و جهاد کردند و وعده غنائم دادند وقتی الْمُخَلَّفُونَ از این مسئله با خبر شدند از پیامبر اجازه خواستند که در این جنگ حضور پیدا کنند چون این جنگ از قبل نتیجه اش معلوم بود و اخذ غنائم از قبل توسط پیامبر وعده داده شده بود، غرض آنها شرکت در جنگی که نتیجه اش پیروزی و اخذ غنائم بود، لکن این آیات قبل از آن واقعه نازل شده و خداوند به پیامبر خبر داده بود، سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ به زودی به شما خواهند گفت؛ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمٍ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ پیامبر چون از قبل می دانست و این آیات نازل شده بود اجازه شرکت در این جنگ را به آنها نداد، بعد در ادامه خداوند می فرماید: يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ اینها در این جنگ نباید شرکت کنند و شرکت نخواهند کرد، آنها می خواهند کلام خدا را تغییر دهند، قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ خداوند از قبل این مطلب را فرموده و شما ما را همراهی نخواهید کرد.

پس منظور از مغانم در این آیه به وضوح معلوم است که خصوص غنائم جنگی مورد نظر است یعنی آنچه که در جنگ از اموال مشرکین نصیب مقاتلین و شرکت کنندگان در جهاد خواهد شد، لذا در این آیه قطعاً منظور مطلق غنیمت نیست.

آیه سوم:

«وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» در این آیه هم باتوجه به آیاتی که بیان شده منظور غنائم دارالحرب و مطلق غنائم جنگی است که خداوند می فرماید: غنائم زیادی نصیب خواهد شد، احتمال دیگری هم اینجا وجود دارد که خصوص غنائم خیبر مورد نظر باشد، چنانچه بعضی از مفسرین هم گفته اند از جمله شیخ طوسی در تبیان و در تفسیر روح

۱. فتح / ۱۵.

۲. فتح / ۱۵.

المعانی به این مطلب اشاره کرده اند، پس قدر مسلم در این آیه این است که مغانم در این آیه مطلق فائده و غنیمت نیست، یا غنائم جنگی به معنای عامش است یا خصوص غنائم خیر با توجه به آیات قبلش منظور می باشد.

آیه چهارم:

«وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا^۱»

در مورد مغانم در این آیه دو احتمال وجود دارد: احتمال اول اینکه منظور خصوص غنائم جنگی باشد و احتمال دوم اینکه مطلق ما وعده الله المؤمنین الی یوم القیامة باشد، چنانچه بعضی از مفسرین این احتمال را ذکر کرده اند، صاحب روح المعانی گفته: «یعلی ما قال ابن عباس و مجاهد و جمهور المفسرین ما وعد الله تعالی المؤمنین من المغانم الی یوم القیامة» پس هر دو احتمال در اینجا وجود دارد، بعضی قائلند به اینکه مراد خصوص غنائم جنگی است و بعضی قائلند به اینکه این مطلق غنائم را شامل می شود و وجهی هم برای اختصاص به خصوص غنائم جنگی وجود ندارد خداوند غنیمت های بسیاری را وعده داده ولی در این یکی تعجیل کرده این یکی یعنی خصوص غنائم خیر، که در آیات قبلی هم سخن از آن به میان آمده بود، وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً.

اینکه بخواهیم بگوییم این مغانم فقط اشاره دارد به غنیمت های جنگی که در جنگهای آینده نصیب مؤمنین می شود این به نظر چندان مناسب نیست چون بحث از وعده غنیمت به اهل ایمان است و فقط همراهان پیامبر را شامل نمی شود چون آنهایی که همراه پیامبر بودند بخشی از مؤمنین و اهل ایمان بودند که خداوند به آنها وعده داده، برای اهل ایمان مطلقاً مغانم کثیر وعده داده حتی چه بسا بتوانیم بگوییم مغانم اخروی را هم می تواند شامل شود، بنابراین مجموعاً با توجه به اینکه این وعده الهی است و این وعده به اهل ایمان است آن هم به خاطر ایمان و پایداری، به نظر می رسد بهتر این است که بر مطلق فائده و غنیمت حمل شود.

آیه پنجم:

«فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^۲» این آیه در مقام بیان حکمی از احکام جهاد وارد شده و آن هم جواز اخذ فداء است، زمان نزول آیه بعد از جنگ بدر است که گروهی از انصار به پیامبر عرض کردند ما در جنگ بدر هفتاد نفر از کفار را به هلاکت رساندیم و هفتاد نفر را به اسارت گرفتیم، این هفتاد نفری که به اسارت گرفتیم از قوم و خویش و قبیله و عشیره شما هستند اینها را به ما ببخش تا ما بتوانیم فداء بگیریم، یعنی آزادشان بکنند در قبال اخذ فداء، این آیه نازل شد و به آنها اجازه داده شد آنها را آزاد کنند و فداء بگیرند، پس آیه برای بیان جواز اخذ فداء در برابر آزادی اسرائی است که در جنگ بدر به اسارت در آمدند، این آیه این را اجازه داد و خداوند فرمود: فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا، به حسب مورد آیه باید بگوییم ما غنمتم منظور خصوص غنیمت جنگی است یعنی کسانی که در جنگ به اسارت در آمده اند و اینها می توانند اسراء را آزاد کنند و در مقابلش فداء بگیرند، اما با توجه به اینکه مورد مخصص نیست امر به اکل از آنچه که به غنیمت گرفته اید که حلال و طیب و پاکیزه است می تواند شامل همه ما غنمتم شود و خصوص آنچه که در جنگ بدر بدست آمده مراد

۱. تبیان ج ۹، ص ۳۲۸، / روح المعانی ج ۱۳، ص ۲۶۳.

۲. فتح / ۲۰.

۳. انفال / ۶۹.

نیست. همچنین خصوص غنیمت جنگی ولو در غیر جنگ بدر هم منظور نیست، بلکه معنای لغوی غنیمت یعنی مطلق فائده مراد است، قرینه ای هم بخصوص در اینجا وجود نداد که ما را وادار بر حمل به غیر معنای لغوی کرده و اختصاص به غنائم جنگی پیدا کند. لذا در مجموع به نظر می رسد معنای ما غنمتم اعم از معنای غنیمت جنگی است و غیر فداء را هم شامل می شود.

نتیجه:

تا اینجا از این پنج آیه ای که بیان کردیم آیه اول قطعاً اختصاص به غنائم جنگی نداشت، آیه دوم ظهور در خصوص غنائم جنگی داشت، آیه سوم ظهور در خصوص غنائم جنگی داشت حالا یا مطلق غنائم جنگی یا خصوص غنیمت یک جنگ خاص، آیه چهارم هم تقریباً از آن میتوان استفاده کرد که معنای عام دارد یعنی مطلق فائده و غنیمت و خصوص غنائم جنگی نیست، آیه پنجم هم به نوعی از آن عمومیت قابل استفاده است.

نتیجه ای که از این پنج آیه می توانیم بگیریم این است که ادعای انحصار استعمالات قرآنی غنیمت و مشتقاتش در قرآن در خصوص غنائم جنگی ادعای قابل قبولی نیست، حداقل چند مورد از این استعمالات قرآنی در غیر غنیمت جنگی و به عبارت دیگر در معنای عام یعنی همان معنای لغوی و عرفی استعمال شده است.

آیه ششم:

که مهمترین این آیات است و از این جهت مهم است که اگر ثابت کنیم ما غنمتم در اینجا به معنای مطلق فائده و غنیمت است برای ما یک اصل درست می کند و یک اصلی ما تأسیس می کنیم. منظور از تأسیس اصل این است که مقتضای اطلاقات و عمومات ادله با قطع نظر از ادله خاصه معلوم می شود، مثلاً در بیع ما با اوفوا بالعقود یا احل الله البیع یک اصلی را اول تأسیس می کنیم، یعنی مقتضای عمومات و اطلاقات ادله عامه، با قطع نظر از ادله خاصه مشخص می شود. در آیات و روایات ابتدا باید مقتضای ادله عامه را بررسی کنیم و این یک مرجعی برای شک است که اگر در یک موردی شک کردیم می توانیم به این عمومات و اطلاقات رجوع کنیم و از آن برای اثبات حکم استفاده کنیم.

« وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِلَّذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّفْيِ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » پس این آیه از این جهت برای ما مهم است که اگر اثبات شود ما غنمتم در این آیه به معنای مطلق فائده و غنیمت است، اصلی را که در اینجا بدست می آوریم **يجب الخمس في كل فائدة** است، و این اصل کارائی زیادی در ابواب مختلف خمس دارد.

این آیه در غزوه بدر کبری نازل شده و در اینکه در یک مورد خاص نازل شده و شأن نزول خاصی دارد بحثی نیست و قطعاً در مورد جنگ بدر است، بحث در این است که ما غنمتم آیا مختص به غنائم دارالحرب است یا اعم از غنائم دارالحرب و هر چیزی که به انسان به نحو فائده و منفعت برسد؟ مشهور و قاطبه علماء ما قائلند به اینکه منظور مطلق فائده و منفعت است، اما علماء عامه قائلند به اینکه در اینجا خصوص غنائم جنگی اراده شده است.

اجمالاً ادله ای که بر عمومیت معنای غنیمت در اینجا می توان اقامه کرد را باید ذکر کنیم که حدود شش دلیل بر عمومیت ما غنمتم داریم، یعنی معنای ما غنمتم معنای عامی است و شامل مطلق منافع می شود و در مقابل عامه چند دلیل دارند که اینجا

خصوص غنائم جنگی مورد نظر است، از علمای ما مرحوم مقدس اردبیلی در زبدة البیان تقریباً شش دلیل بر عدم عمومیت معنای ما غنمتم ذکر می کند.

خلاصه بحث آینده:

پس از آن، بحث مهم ما در این قسمت این است که ادله عامه را باید بررسی کنیم که حدود چهار دلیل بر انحصار ما غنمتم در خصوص غنائم جنگی ذکر کرده اند، مقدس اردبیلی شش دلیل بر عدم عمومیت معنای ما غنمتم بیان می کند و بعضی مثل فاضل جواد در مسالک الافهام تقریباً این را تأیید می کند و می گوید مراد از ما غنمتم خصوص غنائم جنگی است، و ادعای او این است که ما از آیه نمی توانیم وجوب خمس را در مطلق منفعت استفاده کنیم بلکه بقیه موارد وجوب خمس را از راه اجماع و اخبار ثابت می کنیم.

پس ادله عامه و ادله مقدس اردبیلی را باید مورد بررسی قرار دهیم و بعد از بررسی آنها، خود ما هم چند دلیل داریم که در اینجا ما غنمتم به معنای مطلق فائده و غنیمت است که انشاءالله در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»